مسیحیت را بشناسید

گرد آورنده:

قریب الله «مطیع»


سنی بوک
www.SunniBook.net

فهرست موضوعات

بسم الله الرحمن الرحیم

پیشگفتار

الحمد لله رب العالمین والصلاة والسلام على نبینا محمد ﷺ وعلى سائر أنبیائه تسلیماً كثیراً.

أمابعد!

کشور عزیز ما از دیر زمانی مورد حملات وتجاوز دشمنان اسلام قرار دارد، این حملات گاهی از راه سلاح وگاهی از راه پخش ونشر افکار باطل و کفری صورت می گیرد، لیکن ملت دلیر و مسلمان ما با هر تجاوزی پنجه نرم کرده اند و دشمنان را به یاری خداوند متعال خوار و زبون از کشور خویش رانده اند، اغتشاش داخلی و عدم موجودیت حکومت مرکزی قوی اسلامی در کشور زمینه را به دشمنان مساعد ساخته است تا منافع و مصالح خود را تأمین نمایند و مردم بیچارهء ما را به طرف خویش بکشانند، همه دست به کار اند و فعالیت دارند، حتی کمونیست های شکست خورده نیز دوباره جان گرفته اند و می خواهند پوست بره را به تن نموده مردم را دوباره فریب دهند، چنانکه مسیحیان نیز با کمال زیرکی از فضای تیره استفاده می نمایند، مردم را از پرستش خدای یگانه به عبادت خدایان سه گانه می خواهند

ببرند، طوریکه میگویند: (آب را تیره وگل آلود کن و ماهی بگیر). آنها خواهان همچو وضع در کشور ما و سایر کشور های اسلامی اند، زیرا عدم موجودیت امن و آرامش و جنگ های پراگنده و عدم حکومت مرکزی قوی اسلامی به نفع آنها تمام می شود تا بنام کمک، همکاری، دلسوزی، و انسان دوستی و حقوق بشر، همچون افکار پوچ و خنده آور خویش را بر مردم تحمیل نمایند.

دعوتگران مسیحیت زیر پرده های مختلفی فعالیت دارند، و اگر همچو وضع فعلی که همه دست بسته و حیران می نگرند دوام کند شاید در آیندهء نزدیک - خدای نخواسته- کلیساهایی در نقاط مختلف کشور ما بنا شود.

مردم ما در راه دین و عقیدهء خویش قربانی داده اند نباید این قربانی های شان ضایع شود، نباید ثمرهء جهاد و فداکاری شان به دست بیگانگان بیفتد. امروز بر هر مسلمان لازم است تا در راه دفاع از دین و آئین مقدس خویش فعالیت نماید تا مسئولیت خود را در برابر دین و عقیدهء والای خویش ادا نموده باشد.

این رسالهء کوچک که در بارهء معتقدات و فعالیت های مسیحیان در کشور های اسلامی، بحث میکند گام کوتاهیست در راه مبارزه علیه این دشمنان زرنگ است که باید بشکل منظم و دسته جمعی دنبال شود، تا مردم غافل و بی خبر از دام این صیادان مکار نجات یابند.

تواضع های دشمن مکر صیادی بود بیدل
که خم خم رفتن صیاد بهر قتل مرغان است

به امید پیروزی حق بر باطل.

قریب الله «مطیع»

مدینهء منوره 23، صفر 1425هـ.

تعریف بعض اصطلاحات

- تنصیر:تنصیر یک حرکت دینی، سیاسی و استعماری است که بعد از شکست جنگ های صلیبی ظهور یافت، هدف این حرکت نشر و پخش دین نصرانیت (مسیحیت) میان امت های مختلف جهان بویژه کشور های جهان سوم یا عقب مانده بوده می خواهند مردمان آنها را زیر یوغ استعمار خویش در آورند[1].
- تبشیر: تبشیر در زبان عربی مژده دادن را گویند، همچنان خبری که بر سیمای انسان تغییر وارد کند چه خوش و چه اندوهگین باشد تبشیر نامیده می شود ولی در نزد مسیحیان مراد از تبشیر هجوم و حملهء مسیحیت بر دیانت های دیگر بوسیلهء دعوتگران شان خصوصاً حمله به اسلام را تبشیر می نامند[2]. یا اینکه آگاه ساختن افراد و توده ها از خبر خوش مسیح که گویا او پروردگار آنها هست و عبادتش بر آنها لازم است [3].

لازم به تذکر است که هدف از تنصیر و تبشیر یکی

1- الموسوعة الميسرة ص: 159.

2- التنصير فى البلاد الإسلامية ص: 15.

3- التنصير مفهومه واهدافه ص: 40.

میباشد.

- مسیحیت: مسیح اسم عیسی عليه السلام است که پیروان وی خویش را مسیحیان می نامند. گفته میشود عیسی عليه السلام رابخاطر مسیح می نامند که در روی زمین خیلی سیاحت نموده بود، و یا اینکه مسیح گویند چون او بر مریضی دست می کشید به امر خداوند متعال شفایاب می شد، یا اینکه هنگام بدنیا آمدنش با چربی مسح شده بود [1]. و مسیحیان میگویند که عیسی عليه السلام بخاطری مسیح نامیده می شد که وی برای خدمت و فدا نمودن جانش بدنیا پای گذاشت [2].
- نصرانیت: اصطلاحی است که به پیروان عیسی عليه السلام اطلاق گردیده است. حضرت عیسی عليه السلام از طرف خداوند متعال فرستاده شد و بر او کتاب انجیل نازل گردید تا رسالت موسی عليه السلام و کتابش را که تورات نام داشت تکمیل و به اتمام برساند. عیسی عليه السلام بسوی بنی اسرائیل فرستاده شد تا به مکارم اخلاق و تهذیب وجدان و ضمیر امر نماید ولی با گذشت زمان کمی دست خوش تحریف و تبدیل گردید و اساس آن ناپدید شد. کتاب انجیل رفته رفته با عقاید شرکی و بت پرستی آمیخته شد و قداست و منزلت آسمانی که داشت از دست رفت [3].
- استشراق (خاورشناسی):

استتشراق (خاورشناسی) کلمه ای است که بر تحقیقات و بررسی های علمای یهود و نصاری و دیگران که ساکنین

1- المفردات للاصفهانی، صـ 468.

2- قاموس کتاب مقدس صـ 860.

3- الموسوعة المیسرة صـ 499.

غـرب انـد، علـوم، زبـان، ديـن، تـاريخ، تمـدن، فرهنــگ، و وضـعيت اجتمـاعی مردمـان شـرق نشـين (مسلمـانان) را مـورد بحث و بررسی و مطالعه قرار ميدهند اطلاق می گردد.

استشـراق زمـانی آغـاز شـد کـه فـاتحين و جهـان گشـايان اسلام به دروازه هـای اروپـا رسيدند، در ايـن زمـان مسـلمانان پيشتاز و يکه تاز جهان بودند.

اروپائيها که در جهل، نادانی، غفلت و عقب ماندگی بسـر مـی بردنـد آغـاز بـه بررسـی و تحقيق نمودنـد تـا بداننـد چطـور مسلمانان به اين عظمت و پيشرفت دست يافتند؟ لذا بعضـی از علمــای کليســا در صــدد تحقيــق و پــژوهش شــدند تــا علــوم و فرهنگ و زبان مردمان شرق (مسلمانان) را فرا گيرنـد تـا پـی به علت عظمت و ترقی و منزلت مسلمانان ببرند[1].

و نيـز پـس از اينکـه مسـيحيان در جنگهـای صـليبی کـه تقريباً دو صد سال دوام کرد نتواستند اسلام را از بين ببرنـد، در صدد آن شدند کـه يـک تعداد از دانشـمندان شـان را وظيفـه دهنـد تـا اسـلام را از داخـل، مطالعـه کـرده بـا مکـر و فريـب، چهرهء حقيقی آن را مسخ کنند، کـه بـا ايـن کـار شـان از يکسو اروپا را از قبول کردن اسـلام حمايت کننـد و از سـوی ديگـر، مسلمـانان را نسبت به دين شان بـه شـک بياندازنـد تـا راه بـرای مسيحی سـاختن شـان همـوار گـردد. و نيز کشـور هـای غربـی هنگاميکه در صدد استعمار کشـورهای اسـلامی شـدند بعضـی از دانشـمندان شـان را گماشـتند تـا شـرق اسـلامی را مطالعـه نمايند تا زمينهء استعمار آنهـا آسـان گـردد. و ملاحظـه ميگـردد کـه يـک نزديکـی و تعـاون خـاص ميـان ايـن سـه گانـه شـوم

1- التنصير فی البلاد الإسلامية ص: 39.

(تنصیر، استشراق و استعمار) موجود بوده و است، و استعمار گران، مستشرقین (خاورشناسان) و دعوتگران مسیحیت را کمک میکنند زیرا از آنها در پلانهای شوم استعماری شان استفاده مینمایند.

عقیدهء مسیحیت

خداوند متعال مسیح (عیسی) ﷷ را بسوی بنی اسرائیل فرستاد، دعوت او به توحید خالص و دین سهل و آسان و گوارا و پرستش خدای یگانه دور از هرگونه پیچیدگی و تعقید و تحریف و تأویل خارج از ذهن بود. اما اکنون دین مسیحیت به یک عقیدهء باطل و فلسفهء پیچیده تبدیل شده که پیروانش در آن گم گشته اند و در مدح و ستایش مسیح آن چنان مبالغه کردند که او را از انسان بودن به مرز خدائی رسانیدند و گفتند: «مسیح پسر خدا است» و «خداوند فرزندی برای خود اختیار کرده» و «خدا همان مسیح پسر مریم است» - والعیاذ بالله-.

به این ترتیب از خدای واحد و صمد که نه کسی را زاده و نه از کسی زاده شده، خانواده ای به وجود آوردند که از سه عضو تشکیل شده که همگی خدا هستند! یعنی: رب، پسر و روح القدس (جبریل). و معتقد اند که مریم - علیها السلام- مادر مسیح است لیکن او را نیز به درجهء تقدیس و پرستش رسانیدند و گفتند: «مریم مادر خدا است»، تا جائیکه در کلیساها مجسمه ها و تصاویری از مریم - علیها السلام- نصب کردند که هنگام راز و نیاز در مقابلش گردن خم می کنند.

از همین جاست که پیامبر بزرگ اسلام ﷺ امتش را از

افراط در ستایشش باز داشته چنانکه می فرماید: «مرا بیش از حد مدح و توصیف ننمائید چنانکه نصاری پسر مریم را بیش از حد مدح نمودند همانا من یک بنده هستم، پس بگوئید: بنده و فرستادهء خدا»[1].

مسیحیت امروزی بر سه بنا استوار است:

1- عقیدهء تثلیث یا خدایان سه گانه.

2-صَلْب یا (به دار کشیده شده) و تقدیس آن و فدا شدن مسیح ﷷ.

3- محاسبهء مسیح با مردم در روز رستاخیز.

اول: عقیدهء تثلیث یا خدایان سه گانه:

مسیحیان معتقد به پروردگار و خالق بزرگ میباشند زیرا آنها اهل کتاب اند مگر عیسی ﷷ (پسر!) و روح قدس (جبریل) را با او شریک می گردانند. و در این مسأله اختلاف و تفاوت میان کلیساهای آنها وجود دارد که چگونه این معما را با یکدیگر ارتباط دهند، می گویند: جوهر و اصل سه گانه، و این قول را به وحدانیت در مثلثی و یا مثلث در وحدانیت تفسیر می نمایند[2].

فرقه ای از آنها معتقد بر آنند که مسیح ﷷ انسان محض است. و گروه دیگری میگوید: پدر و پسر و روح قدس سه اشکال مختلفی اند که خداوند خویش را در صورت آنها ترسیم نموده و به مردم آشکار کرده است. پس خداوند - به گمان آنها- ترکیب شده از سه اصل یا جوهر است: پدر،

1- بخاری ومسلم.

2- الموسوعة الميسرة ص: 503.

پسر و روح القدس؟ پسر (مسیح) از خداوند (پدر) بیرون آمده و در صورت روح القدس (جبریل) و در جسد مریم انتقال نمود و به شکل زنی ظاهر گردید سپس به شکل عیسی عليه السلام از مریم بدنیا آمد.

گروه دیگری می گویند: پسر مانند پدر، ازلی نبوده بلکه مخلوقی مانند سائر مخلوقات است از همین جاست که او پائین تر از پدر بوده تابع و منقاد اوامر وی می باشد.

گروه دیگری روح القدس را از این اصل سه گانه بیرون می آورند. انجمن نیقیه در سال 325 میلادی و گردهمایی قسطنطینیه در سال 381 میلادی تصویب نمودند که پسر و روح القدس در الوهیت با پدر مساوی اند، و پسر در ازل از پدر زایده شده است و روح القدس از پدر صادر گردیده و تجلی یافته است.

و گردهمایی طلیطله در سال 589 میلادی تصویب نمود که روح القدس از پسر بیرون آمده است.

به این ترتیب کلیساهای غربی و شرقی در این نقطه با هم اختلاف ورزیدند و تا حال ادامه دارد. چنانکه گروهی از آنها مریم – علیها السلام- را نیز مانند پسر به مرتبهء الوهیت رسانیدند[1].

این بود عقیدۀ مسیحیت در مورد تثلیث که بطور مختصر آنرا ذکر نمودیم.

از سخنان گذشته چنین بر می آید: وحدانیت خداوند تعالی امر حقیقی هست و سه گانه بودن (تثلیث) نیز حقیقت

1- خصائص التصور الإسلامی صـ: 31.

دارد. و هر یکی از آن ها مشخصات و ممیزات خاصی خود را دارد که با دیگر فرق دارد، و در عین زمان، هر سه یک جوهر و اصل دارند و یک ذات هستند و درقدرت و ارجمندی با هم برابر اند و در خلقت نیز از یکدیگر پیشی ندارند.

این نظریهء حیران کننده ای است!!

اگر انسان عاقل این عقاید را به صورت درست بیاندیشد در می یابد که آنها معتقد به سه ذات اند و هر یک از خود مشخصات جداگانه دارد، و مسأله وحدانیت مجرد دعوی بوده که به صورت درست واضح نیست زیرا می گویند: سه اصل یک است مانند: 1+ 1+ 1 = 1 که هیچ عاقلی آنرا قبول نمی کند.

خلاصهء مطلب این است که آنها سه خداوند دارند و زیر پوشش نام خدا آنرا به مردم عرضه می نمایند و می گویند: ما خداوند یکتا را می پرستیم (خاک را به چشمان مردم می پاشند).

از همین جاست که قرآن کریم آنها را از این یاوه گوئی ها منع نموده گمراهی آنان را بیان می دارد، خداوند می فرماید: ﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لاَ تَغْلُواْ فِي دِينِكُمْ وَلاَ تَقُولُواْ عَلَى اللّهِ إِلاَّ الْحَقِّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِّنْهُ فَآمِنُواْ بِاللّهِ وَرُسُلِهِ وَلاَ تَقُولُواْ ثَلاَثَةٌ انتَهُواْ خَيْرًا لَّكُمْ إِنَّمَا اللّهُ إِلَـهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَن يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَات وَمَا فِي الأَرْضِ وَكَفَى بِاللّهِ وَكِيلاً﴾[1].

ترجمه: « ای اهل کتاب! در دین خود غلو مکنید، و در بارهء خدا جز حق مگوئید، بیگمان عیسی مسیح پسر مریم،

1- النساء: 171.

فرستادهء خدا است، و او کلمهء خدا (یعنی پدیدهء فرمان: "کُنْ") است که خدا آن را به مریم رساند (و بدین وسیله عیسی را در شکم مریم پروراند) و او دارای روحی است که از سوی خدا (به کالبد مریم دمیده شده است). پس به خدا و پیامبرانش ایمان بیاورید و مگوئید که (خدا) سه تا است، (از این سخن پوچ) دست بردارید که به سود شما است. خدا یکی بیش نیست که او الله است محال است که فرزند داشته باشد و حال آنکه از آن اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، و کافی است (که تنها) خدا مدبر (مخلوقات خود) باشد».

این عقیدهء پیچیده و گنگ که جواب قناعت بخش ندارد بسیاری از پیروان مسیحیت را در دو راهه قرار داده است. حالا بطور مثال قصه ای از هزاران قصه های گرویدن مسیحیان به اسلام را خدمت تان ذکر می کنم: « راجین هولد شوارش که از کشور پولند و از خانوادهء مربوط به مذهب پروتستانت می باشد و حالا مشرف به اسلام گردیده است، حکایت می کند که من از کودکی علاقهء خاصی به مسائل دینی داشتم، و آغاز به مطالعه و خواندن عقیدهء کلیسا نمودم مگر آنچه را که آموختم باور کردنی و قناعت بخش نبود... زیرا نتوانستم مسألهء تثلیث (خدا یان سه گانه) را درست بفهمم و کلیسا نیز در این مورد جواب منطقی نداشت... و سوال هایی در ذهنم خطور می کرد که چطور مسیح عليه السلام خود را پسر خدا می نامد در حالیکه در انجیل یوحنا سِفْر هفتم می گوید: «من نمیتوانم عملی را خودم انجام دهم...» و در سِفْر پنجم انجیل متی می گوید: «ای مردم! پروردگار تان را پرستش و اطاعت کنید...». و در این مورد با بعضی از

علمای دینی مسیحیت مناقشه نمودم مگر کسی از آنها قادر به دادن جواب قناعت بخش نشد، سپس در پی کتابهای دین هندویی و بودایی و بعضی ادیان دیگر شدم ولی در هر کدام صدها خدا وجود داشت که دلم به هیچ کدامی از از این مذاهب آرام نمی گرفت، تا اینکه کتابی از اسلام بدستم رسید که معلومات کوتاهی در بارهء اسلام داشت ولی تصمیم گرفتم که تلاش به خرچ دهم و معلومات کافی در بارهء اسلام بدست آورم... همین بود که دوستان مسلمان یافتم و از آنها در مورد اسلام معلومات خواستم و آنها کتابهای زیادی را در دسترسم قرار دادند تا اینکه دلم آرام گرفت و گم شده ام را دریافتم»[1].

این بود عقیدهء تثلیث یا خدایان سه گانه و یا خانواده ای که همهء شان خدا اند که هر خواننده ای را به شگفت می آورد.

دوم: عقیدهء صَلْب یا بدار آویخته شدن مسیح ﷺ و مقدس دانستن آن:

علامهء صلیب، شعار مسیحی ها بوده آنرا مقدس میدانند، آنها اعتقاد دارند که مسیح ﷺ در دو چوب متقاطع به دار آویخته شد. اینکه چرا به دار آویخته شد چنین تعلیل می کنند: مسیح ﷺ بخاطر جبران و کفارهء گناه پدر انسان ها (آدم ﷺ)، هنگامیکه از درختیکه ممنوع قرار داده شده بود خورد، گناه این نا فرمانی به اولاد آدم منتقل گردید و خداوند بر همهء اولاد آدم خشمگین است، لذا واسطه و خلاص گری بکار است که گناهان را متحمل شود و خود را فدای همه نماید تا خداوند راضی گردد.

1- لماذا اعتنقت الإسلام از فوزی الحلبی صـ: 16.

این مرد فدا کار عیسی ÷ بود که خود را فدائی کرد و به دار آویخته شد[1].

اینکه چه کسی او را بدار آویخت در کتابهای انجیل قصهء آن ذکر شده که ما بطور مختصر آنرا ذکر می کنیم:

مسیحی ها اعتقاد دارند که مسیح ÷ را یهودیان به قتل رسانیده اند زیرا به گمان یهود مسیح ÷ به خداوند کافر شده است و یکی از پیروانش که یهوذا اسخریوطی نام داشت در مقابل مال، جای بود و باش او را به یهودیان افشاء نمود و همین بود که شب روز جمعه گرفتار گردید و به خانهء یکی از کاهن های یهودی انتقال داده شد و بعد از تحقیق در محکمه حکم اعدام را بر او صادر نمودند، سپس به سوی مرکز ولایت رومانی ها بردند و به دار آویختند، و شب هنگام او را از دار پائین کردند و در قبری گذاشتند. و بعد از گذشت دو روز، هنگامیکه بالای قبر آمدند، قبر را خالی یافتند، همین بود که بعد از چهل روز خداوند وی را به آسمان بلند کرد، مگر ذکر این قصه در کتابهای انجیل با اشکال مختلف بیان گردیده که اینجا گنجایش ذکر آن نیست[2].

حقیقت امر چیست؟

قوم بنی اسرائیل به سبب داشتن عقیدۀ توحید درهر زمانی از سائر ملت های معاصر خود ممتاز بودند اما به علت همسایگی و همنشینی با قبیله های بت پرست مشرک و گذشت زمان طولانی از تعلیمات پیامبران، عقاید نادرست و عادات جاهلی به سوی آنها جریان پیداکرد. عیسی ÷ آنان

1- دراسات فی الأدیان صـ: 304.

2- دراسات فی الأدیان صـ: 306.

را بـه توحیـد خـالص و رهـائی از تمـام آن چـه کـه از عـادات جاهلی و عقاید باطل بود فرا می خوانـد، چـون تـرک ایـن همـه بر یهودیان گران آمد، علیه او بـه پیکـار بـر خاسـتند و باکمـان واحد به سویش تیر پرتـاب مـی نمودنـد و او را آمـاج تهمتهـا و سـخنان بیهـودهء خـود قـرار مـی دادنـد و دشـنامهای زشـت و گستاخانه را در مورد او به کار مـی بردنـد، و مـادرش - مـریم بتول- را دشنام مـی دادنـد و طعنـه مـی زدنـد. سـپس تصـمیم بـه قتلش گرفتند تا از او خلاصی یابند، پس موضـوع را بـه حـاکم رومـی عرضـه داشته و گفتند: او مرد شورشـی و هـرج و مـرج طلب است که از دین ما برگشـته، جوانـان را فریفتـه و شیفتهء خـود نمـوده، وجـودش خطـری بـرای حاکمیت اسـت، چـون در برابـر نظـام (حکومـت) هـیچ نرمشـی نشـان نمیدهـد و مقیـد بـه قانون نیست، این سخنان پر از نیرنـگ و زیرکـی بـود و رنـگ سیاسی را به همراه داشـت زیـرا یهودیـان خـوب میدانسـتند کـه جنبۀ دینی حکام را تحریک نمـی کنـد لـذا سـخنان خـود را بـه سیاست آمیختند.

فرمانروایـان بیگـانۀ مشـرک کـه سـر گـرم ادارۀ امـور بودنـد حقیقـت امـر را نمیدانسـتند و از کینـه ورزیهـای یهـود و دشمنی آنها با مسیح ﷺ را بـه آسـانی درک نمیکردنـد، همـین بـود کـه بعـد از پافشـاری یهـود ورفـت و آمـدهای مکـرر آنـان حکام وقت تصمیم گرفتند تا ازین قضیه خود را خلاص کنند.

عصـر روز جمعـه بود و فردایش روز شنبه کـه یهودیـان درین روز کار نمی کردند و روز تعطیل عمومـی بود امـا آنـان بسیار حریص بودند تا حکم قبل از غروب آفتـاب روز جمعـه صادر گردد و روز شنبه را با خیـال راحـت اسـتراحت نماینـد،

همین بود که حکم قتل او به وسیلۀ صلیب صادر گردید. بعد از صادر شدن حکم اعدام مسیح عليه السلام عده ای از یهودیان و جوانان هیجان زده ای که آرزوی از بین بردن وی را داشتند، میخواستند هر چه زودتر به محل دار برسند، مسیح عليه السلام که بسیار خسته و ناتوان شده توانائی تند رفتن را نداشت. درین شرایط، مأمور نگهبان مسیح به جوان اسرائیلی دستور داد تا چوبۀ دار را حمل کند، این جوان از دیگر دوستانش پرجوش و خروش تر و احساساتی تر و ابله تر بود و میخواست هرچه سریع تر این امر به پایان رسد، به این ترتیب جمعیت به دروازۀ محل چوبۀ دار رسیدند، نگهبانان محل چوبۀ دار پیش آمدند و دست جوان حامل صلیب را گرفتند، ناله و فریاد از هر سو بلند شد، آن جوان نیز فریاد می زد و می نالید که او بیگناه است ولی نگهبانان که از رومیان بودند زبانش را نمی فهمیدند و هیچ توجهی به این داد و فریاد نکردند آنها جوان را گرفته حکم را در مورد او اجرا کردند و یهودیان نیز از دور ناظر حادثه بودند، دنیا در تاریکی شب فرو رفته بود و آنها قطعاً یقین داشتند کسی که به صلیب کشیده شده مسیح است.

اما خداوند مسیح را از کید و مکر یهود رهانید و به سوی خود فرابرد[1].

خداوند جل جلاله درین مورد خبر می دهد: ﴿ وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا۞ وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَـكِن شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ

1- برگرفته از کتاب پیامبران از دیدگاه قرآن صـ: 230- 237.

اخْتَلَفُواْ فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُم بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلاَّ اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا۝ بَل رَّفَعَهُ اللّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾[1].

ترجمه: « و (خداوند بر آنان خشم گرفت) به سبب کفر ورزیدن شان ، و افترای بزرگی که بر مریم بستند. و میگفتند که: ما عیسی پسر مریم، پیغمبر خدا را کشتیم! در حالی که نه او را کشتند و نه بدار آویختند، و لیکن کار بر آنان مشتبه شد و کسانی که در بارۀ او اختلاف پیدا کردند (همگی) راجع به او در شک و گمانند و آگاهی بدان ندارند و تنها به گمان سخن میگویند، و یقیناً او را نکشته اند (و قطعاً مقتول کس دیگری بوده است) بلکه خداوند او را در پیش خود به مرتبۀ والائی رساند و خداوند توانا و حکیم است».

سوم: محاسبۀ مسیح ؈ با مردم در روز رستاخیز:

مسیحیان به این گمانند که عیسی ؈ محاسبۀ مردمان را در روز قیامت بدست خواهد گرفت، بدلیل نامۀ دوم پاولز که به اهل کورنتوش فرستاده: «10/5» (حتماً همۀ ما در مقابل تخت مسیح حضور خواهیم یافت تا باهرکسی مطابق کارهای خیر یا شرش محاسبه صورت گیرد و پاداش آنرا حاصل نماید).

ولی اعتقاد مسلمانان اینست که خداوند تعالی در روز قیامت خودش محاسبه و تصفیه حساب بابندگانش خواهد کرد و پیامبران همه گواهی بر امت های شان خواهد بود[2].

و لیکن اعتقاد مسیحیان جز خیال پروری نیست، زیرا

1- نساء: 156- 158.

2- دراسات فی الأدیان صـ:333

عیسی عليه السلام مانند سائر انبیاء در میدان حشر خواهد ایستاد، بلکه خداوند مسیح عليه السلام را مورد باز پرس قرار خواهد داد، قرآن کریم این مشهد عظیم را چنین ترسیم می کند: ﴿ وَإِذْ قَالَ اللّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَأَنتَ قُلتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ إِلَـهَيْنِ مِن دُونِ اللّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ إِن كُنتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلاَ أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنتَ عَلاَّمُ الْغُيُوبِ﴾ [1].

ترجمه: «و (خاطر نشان ساز) آنگاه را که خداوند میگوید: ای عیسی پسر مریم! آیا تو به مردم گفته ای که جز الله، من و مادرم را هم دو خدای دیگر بدانید، عیسی میگوید: تو را منزه از آن میدانم که دارای شریک و انباز باشی، مرا نسزد که چیزی را بگویم که حق من نیست، اگر آن را گفته باشم بیگمان تو از آن آگاهی، تو از راز درون من هم با خبری و من از آنچه بر من پنهان میداری بی خبرم، زیرا تو دانندۀ رازهایی و به همهء اسرار غیب آگاهی» [2].

عبادات

عبادات مختص به کلیسا هست و هر کسی در هر کجا نمی تواند عبادت کند. مابطور مختصر عباداتی را که مسیحییان انجام میدهد ذکر می نمائیم:

1- غسل تعمید (Baptism): این عبادت قبل از وارد شدن در آیین مسیحیت انجام می گیرد تا از گناهان گذشته

1- المائدة: 116.

2- تفسیر نور.

پـاک گـردد، در داخـل کلیسـا حوضــی وجـود دارد و در آنجـا اطاق مخصوص غسل تعمید بـا افـراد خـاص موجـود میباشند، و بعـد انتهـای غسـل بــه او اجـازۀ شـرکت در عشـای ربـانی (غذای مقدس) داده می شود.

2- عشـای ربـانی (غـذای مقـدس): پـس از پـذیرفتن آیـین مسیحیت این مهمترین رسم عبادتی است که به عنوان یـاد بـود قربـانی حضـرت مسـیح ﷺ انجـام مـي گيـرد، دريـن محفـل سـرودها خوانـده مـی شـود، سـپس حاضـرین سـر و صـورت یکدیگر را می بوسند و مبارك باد می گویند، بعد از آن شراب و نـان آورده می شود و میان حاضرین تقسیم می کننـد، نـان بـه جسم مسیح و شراب به خون مسیح تبدیل میشود، (اگرچـه بـه ظاهر هیچ تغییری پیدا نمیشود).

3- نمـاز (حمـد خـوانی) در صـبح و شـام نمـاز دارنـد امـا تعـداد رکعـات معلـومی نـدارد و نمـاز شـان عبـارت از دعاهـا، تسـبیحات و سـرودها میباشـد، همچـنین بـه جـا آوردن نمـاز و روزه اختیاری است.

4- روزه: روزهء مســیحیان امتنـــاع از خـــوردن غــذای چرب و آنچه از حیوانات گرفته می شود (مثل گوشت و شیر و....) و اکتفـاء بـه خـوردن حبوبـات میباشـد، و مـدت روزه و کیفیت آن در فرقه های مختلف متفاوت است.

5- اعتـراف: خلـوت بـا عـالم دینـی و اعتـراف نمـودن بـه آنچـه مرتکـب شـده اسـت، ایـن اعتـراف گنـاهـان وی را مـورد عفو قرار میدهد و عقوبتی بر وی لازم نمیگردد.

6- سند مغفـرت: ایـن سـند را هـر کـه بخـرد همـه گنـاهـان گذشته و آینده اش مورد عفو قرار می گیرد، این سند ها قیمت های متفاوتـی دارد شـاید شخصـی در بـدل پرداخـت پـول بیشـتر

به کلیسا، صاحب چند متر جایداد در جنت گردد [1].

کتابهای مسیحیان

کتاب های مسیحیان به دو دسته تقسیم می گردد:

- عهد قدیم: یعنی تورات که اصل و جوهر دیانت مسیحیت بشمار می رود.
- عهد جدید: عبارت از انجیل های معتبر و موثوقی است که کلیسا ها در قرن سوم میلادی به آن اعتراف داشتند، قرار ذیل است:

1- انجیل متی 2- انجیل مرقص
3- انجیل لوقا 4- انجیل یوحنا

اولاً: انجیل متی: متی یکی از شاگردان دوازده نفری مسیح ﷺ بود که انجیل را به زبان عبرانی و سریانی تدوین نموده بود، و قدیمی ترین نسخهء آن به زبان یونانی دریافت شده است، چنانکه اختلاف زیاد در مورد اینکه چه کسی انجیل را تدوین و ترجمه نموده است وجود دارد.

دوم: انجیل مرقص: نویسنده آن یوحنا نام دارد که از

1- الموسوعة الميسرة صـ: 405.

جمله هفتاد نفری است که مسیح ؑ آنها را برای دعوت و نشر دین مسیحیت اختیار نموده بود، او مرد فعال در نشر دین مسیحیت بود خصوصاً در شمال افریقا و روم، و در سال 62 میلادی به قتل رسید.

سوم: انجیل لوقا: او مرد طبیب و رسام و اصلاً یهودی بود، او یکی از همراهان پاولز در سفرها و اقامتش بود، و از شاگردان مسیح ؑ بشمار نمی رود.

چهارم: انجیل یوحنا: او یکی از یاران ابن صیاد بود که مسیح ؑ او را خیلی دوست میداشت، ولی بعضی میگویند که او شخصی مجهولی است که به تنهائی قایل به عقیدهء تثلیث و اله بودن عیسی ؑ در ابتدای تاریخ مسیحیت بود.

به نظر می رسد که انجیل های چهار گانه را مسیح ؑ ننوشته و نویسندگان آن سویه و اهلیت آنرا نداشتند تا علمای دین باشند، چنانکه شروط و اصول روایت که باید در مورد کتاب آسمانی وجود داشته باشد دیده نمی شود [1].

علاوه بر این کتابها، بیست و دو نامهء دیگر وجود دارد که منسوب به پاولز و یعقوب و یوحنا و یهودا می باشد.

تحریف در کتابهای انجیل

مسیح ؑ مانند سایر پیامبران – علیهم السلام- با دین حق و عقیدهء ناب توحیدی از جانب خداوند ﷻ به مردم فرستاده شد، دین آسمانی که یکتاپرستی و توحید در همه عباداتش آشکار بود، مگر امروز این دین بصورت کامل با

1- کنت نصرانیاً ص: 13- 17 و دراسات فی الادیان ص: 191 ومابعده.

اصل آن فرق دارد وکاملاً تحریف گردیده است.
اینکه چرا مسیحیت از خط سیر اصلی اش تخطی نموده عوامل زیادی دارد که مهمترین آن را خدمت تان یاد آور میشویم:
أ: مستضعف و مغلوب بودن پیروان این دین: هر حرکت و نهضتی ضرورت به آرامش و امنیت دارد تا زیر سایهء آن جان بگیرد و به پیش رود و در مقابل اگر فضای نا آرام بالای این حرکات حاکم باشد، از بین رفته و متلاشی می گردد.
مسیحیت از اولین روزگارش مورد هجوم دشمنان قرار گرفت، مسیح ﷷ از جانب یهودیان مراقبت و تعقیب می گردید، بلکه می کوشیدند تا وی را به قتل برسانند ولی خداوند او را نجات داد و به سوی خود فرا خواند.
بعد از بالا رفتن مسیح ﷷ شخصیت ها و بزرگان این دین از جانب یهودیان به قتل رسیدند، این امر باعث شد تا پیروان مسیح ﷷ فرار نمایند و به هر گوشه و کنار پنهان گردند، از جانب دیگر حملات امپراطوران رومانی که در سال های 71 میلادی و 135 میلادی بر مناطق شام صورت گرفت، مسیحیان هر چه بیشتر مظلوم و ستمدیده شدند، به این ترتیب دعوتگران و علمای مسیحیت نتوانستند به صورت درست و در فضای آرام عقیده و دعوت شان را به پیش ببرند و نشر نمایند، چنانکه نشر تعلیمات و افکار مخالف با عقیدهء اصیل مسیحیت و پخش کتابها و رسائل دروغینی که منسوب به دعوتگران اوائل مسیحیت بود، جایگزین عقیدهء توحید و ناب این دین گردید.
ب: تلف شدن انجیل وگسستن سند آن:

انجیل هایی که امروز در دسترس مسیحیان قرار دارد نسبت هیچکدامی از آنها به عیسی ﷺ درست نبوده و اثری از انجیل عیسی ﷺ در آنها دیده نمیشود، زیرا مسیحیان در تدوین و نوشتن انجیل بعد از بلند شدن عیسی ﷺ اعتنایی نکردند، و از اینجاست که بعد از گذشت مدت زمان طولانی انجیل های مختلف نوشته و روی کار شد که نویسنده و مآخذی که به آن اتکاء کرده بود به صورت درست واضح و معلوم نیست.

و آنعده اشخاصیکه انجیل های موجوده را نوشته اند مردمان معصوم نبودند، لذا خطاهای زیادی که از فطرت انسانها است در آن رخ داد، پس چطور بالای چنین کتابهائیکه پر از خطاء و انحراف باشد میتوان اعتماد کرد؟!

ج: پاولز یهودی:

پاولز یکی از سرسخت ترین دشمنان مسیح ﷺ و مرد متعصب یهودی بود که در محیط پر از شرک و بت پرستی مختلف در شهر طرسوس پرورش یافته بود.

پاولز کوشید تا به هر شکلی که شود خود را به مسیحیت و حواری ها (شاگردان عیسی ﷺ) نزدیک کند، ولی مورد قبول آنها قرار نمیگرفت زیرا از تعصب و عداوت شدیدی که علیه عیسی ﷺ و پیروانش داشت آگاه بودند، وی به واسطه و آشنائی شخصی از حواری ها بنام (برناپا) توانست در ردیف مسیحیان قرار گیرد و بعد از مدتی کمی یکی از پیشتازان دعوت مسیحیت گردد.

او مرد فعالی بود و در مناطق مختلف برای دعوت می شتافت ولی نظر به نیرنگ، عداوت و تعصب شدیدی که در مقابل مسیحیت داشت توانست این دین را از خط سیر اصلیش

منحرف سازد و عقاید و افکار شرکی و بت پرستی را به مردمان عرضه نماید.

نامه هائیکه از پاولز بجا مانده است بیانگر آنست که با عقیدهء ناب مسیح ﷺ مخالف بوده است که بطور مختصر مهمترین نکات آن را خدمت تان عرض میداریم:

1- ادعا نمودن پاولز بر اینکه مسیح ﷺ پسر خدا است: این مفکوره در سخنان و نامهء پاولز که بسوی غلاطیه فرستاد واضح میباشد، سپس این مفکوره میان پیروان دین مسیحیت و انجمن های آنان مروج گردید تا اینکه یکی از مهمترین پایه های عقیدتی آنان باقی ماند [1] ولی در انجیل متی و یوحنا روایات مغایر با این مفکوره وجود دارد مبنی بر اینکه مسیح ﷺ خویش را بنده و فرستادهء خداوند ﷻ معرفی نموده است [2].

2- پاولز ادعا داشت که هدف از آمدن مسیح ﷺ به دار آویختن او است تا گناهان بنی آدم به این وسیله محو گردد، این مفکوره در نامه ای رومیه و نامهء که بسوی کورنثوس فرستاده بود واضح است [3]. ولی در انجیل متی و مرقص خلاف این ادعا وجود دارد، اینکه مسیح ﷺ بخاطری فرستاده شده است تا مردم را به توبه و رجوع به خدا امر نماید [4].

1- سفر اعمال الرسل عن بداية دعوة بولس (9/ 20) و نامهء پولس بسوی غلاطیه (4/ 4).

2- انجیل متی 8/ 20 و انجیل یوحنا 8/ 40.

3- رومیه 3/ 23 و 5/ 6 و نامهء پاولز بسوی کورنثوس 5/ 21.

4- انجیل متی 9/ 13 و انجیل مرقص 1/ 12.

3- پاولز ادعا داشت که مسیح عليه السلام از طرف خدا بسوی همهء بنی آدم فرستاده شده است[1] مگر این ادعا را انجیل متی رد نموده از قول مسیح عليه السلام روایت می کند: « فرستاده نشدم مگر بسوی مردمان خرافاتی و گمراهان بنی اسرائیل»[2] چنانکه قرآن کریم نیز رسالت عیسی عليه السلام را مختص به بنی اسرائیل بیان داشته است [3].

4- پاولز شریعت موسی عليه السلام را از میان برد و ادعا نمود که انسان تنها با ایمان نجات می یابد و ضرورت به عمل نیست [4]، هنگامیکه پاولز اعلان کرد که شریعت و دعوت مسیح عليه السلام برای همهء مردم است، یهودیان مخالفت شان را با این مفکوره اعلان داشتند. پاولز میدانست که وجود شریعت موسی عليه السلام مانع دعوت وی می گردد لذا ابطال و الغای این شریعت را اعلان داشت، سپس دیگر شاگردان نیز با وی متفق شدند و همهء اعمال و اموریکه بر بنی اسرائیل واجب بود از میان بردند، بجز خودداری از زنا، خوردن گوشت حیوان خفه شده (حیوانکه بدون ذبح کشته شده باشد) و آنچه که برای بت ها ذبح گردد به حکم اولی اش باقی ماند [5].

ابطال نمودن شریعت موسی عليه السلام مخالف اوامر و دستورات عیسی عليه السلام بود، زیرا شریعت موسی عليه السلام احکام و اوامر خداوند بود که انسان به وسیلهء آن به خداوند نزدیک

1- رومیه 11/ 13 و غلاطیه 1/ 15 و افسس 3/ 8.
2- انجیل متی 10/ 5.
3- آل عمران: 49.
4- رومیه 2/ 16.
5- اعمال الرسل 15/ 28.

می گردید سپس شریعت مسیح عليه السلام با احکام و اوامر جدیدی نیامده بود بلکه دعوت مردم به فطرت سالم ، توبه واصلاح نفوس بود، و انجیل متی گواه بر نقض این عمل است [1].

این بود خدمت بزرگ پاولز به مسیحیت که مانند خانهء بدون ستون آن را بجا گذاشت، پاولز و یا هر شخص دیگری این حق را نداشت تا با اوامر و احکام دین متکامل بازی نماید، بلکه این عمل کفر وخیانت بزرگ و جنایتی بیش نیست [2].

5- ابطال و الغای ختنه کردن:

مسیح عليه السلام ختنه گردید [3] و به آن پابندی داشت زیرا در شریعت موسی عليه السلام نزد یهود، در بارهء ختنه کردن ابراهیم عليه السلام هنگامیکه خداوند متعال او را به ختنه امر کرد دلیل آشکاری در «سفر تکوین» وجود دارد [4].

مگر پاولز مسألهء ختان را به شکل کلی از بین برد چنانکه در رومیه و نامهء او بسوی تیموشاوس ذکر است [5].

اگر به دقت ملاحظه گردد، دیانت مسیحیت منحصر به سخنان پاولز است و از مسیح عليه السلام جز نام چیز دیگری وجود ندارد [6].

د- اثر عقاید وافکار بت پرستی وفلسفهء آن بر

1- انجیل متی 5/ 17.
2- دراسات فی الأدیان صـ: 358.
3- انجیل لوقا 2/ 21.
4- تکوین 17/ 11.
5- رومیه 2/ 28 و نامهء پاولز به سوی تیموشاوس 1/ 15.
6- دراسات فی الأدیان صـ: 360.

مسیحیت:

مسیح ﷺ بسوی مردمان خرافاتی و گمراه بنی اسرائیل فرستاده شد وی همیشه به پیروانش تأکید می کرد تا در قریه های مجاوری که غیر از یهودیان زندگی دارند نروند[1]، مگر بعد از گذشت زمان آنها اوامر مسیح ﷺ را نادیده گرفتند و به مردمان بت پرست روم و یونان و فارس وغیره رو آوردند. از اینجا واضح میگردد که باهم آمیختن و خلط شدن مسیحیان با مردمان بت پرست و عدم جهانی بودن دیانت مسیحیت، نه تنها نتوانست بر دیگر امت ها غالب آید بلکه رنگ بت پرستی را بخود گرفت و دین تحریف شده ای بیش باقی نماند [2].

علمای ادیان و تاریخ معتقد اند که مسیحیت رنگ و روش دیانت های شرکی و بت پرست را بخود گرفت، لذا عقیدهء (تثلیث یا سه جوهری که همه خدا اند) و عقیدهء (به دار کشیدن خدا بخاطر محو گناهان بنی آدم) وعقیدهء (خدا به شکل جسمی از زن پاکدامنی متولد گردید –والعیاذ بالله-) همهء این اعتقادات در دیانت های ماقبل یهود و مسیحیان وجود داشت. این اعتقاد نزد هندوها، بودائیها، مصر قدیم، فارس، یونان، روم، آشوری ها، وینیقی ها، اسکندنوی ها، و تتارها، مردمان مکسیک و کانادا نیز رائج بود[3].

چنانکه افکار و معتقدهای امپراطور روم (قسطنطین) تأثیر قوی بر دیانت مسیحیت نمود. قسطنطین که مرد بت پرست و در

1- انجیل متی 10/ 5.

2- دراسات فی الأدیان صـ 360.

3- مرجع سابق.

عین وقت بی خبر از دیانت مسیحیت بود، توانست مسیحیان را از ظلم وجور وستم یهودیان رومانی نجات دهد، ولی اختلافات مسیحیان وی را مجبور ساخت تا انجمنی را در سال 325م تشکیل دهد، وی در این انجمن به نظریات مردمانی که به خدا بودن مسیح ﷺ معتقد بودند میلان داشت لذا افکار ومعتقدات شرکی تصویب گردید وهر کسی که مخالف آن بود به وسیلهء زور سلطان با وی معامله صورت می گرفت، حالا واضح شد که مسیحیت اعتقاد به سه خدا دارند و با زور سلطان منتشر گردیده است. چنانکه انجمن های مسیحیت که در سالهای ما بعد تشکیل یافت، اساس دین مسیحیت را مطابق هوی و هوس شان گذاشتند وهر کسی با آنها مخالفت می نمود مورد تکفیر قرار می گرفت [1].

طوایف مسیحیت

بعد از اینکه امپراطور روم انجمن نیقیه را تشکیل داد مسیحیان به دو فرقهء بزرگ منقسم گردیدند. یکی فرقهء اریوسیه که آنها معتقد به بشر بودن و مخلوق بودن مسیح ﷺ بودند، وفرقهء دومی پاولزی بود که ادعا داشتند که مسیح ﷺ پسر خداوند متعال است. این فرقه به سه مذهب مختلف تقسیم شد که عبارت اند از: کاتولیک، ارتودکس و پروتستانت که بارز ترین عقاید این سه گروه را خدمت تان ذکر می کنیم.

اول: فرقهء کاتولیک: این فرقه پیروان پاپ در روم هستند و مهمترین معتقدات شان قرار ذیل است:

- معتقد اند که روح قدس (جبریل) ﷺ از پدر و پسر

1- دراسات فی الأدیان ص: 363.

بیرون آمده است.

- خوردن گوشت حیوان خفه شده و خونش را مباح میدانند.
- پاپ در واتیکان رئیس عام همهء کاتولیک های جهان است.
- طلاق را حرام قرار دادند حتی در حالت زنا.

این فرقه در اروپای غربی و امریکای جنوبی زندگی دارند.

دوم: فرقهء ارتودکس: این فرقه پیروان کلیسای شرقی در قسطنطینیه می باشند که مهمترین معتقدات شان قرار ذیل است:

- روح قدس تنها از پدر بیرون آمده است.
- طلاق را حرام قرار می دهند مگر در حالت زنا جائز میدانند.
- زیر یک پرچم یا رئیس جمع نمی شوند بلکه هر کلیسا خود مختار و مستقل است.

این فرقه در اروپای شرقی و روسیه منتشر است.

سوم: فرقهء پروتستانت (انجیلی ها):

این فرقه منسوب به مارتن لوثر می باشد که در اوایل قرن 16 میلادی در آلمان ظاهر گردید، وی می خواست تا اصلاحاتی را در کلیسا ها به وجود آورد. و مهمترین معتقدات این فرقه قرار ذیل است:

- سند های مغفرت همه دروغ و افترا است و گناهان بجز از توبه و ندامت بخشیده نمیشود.
- هر کسی حق دارد و میتواند انجیل را بخواند و بفهمد

بدون رجوع به کلیسا.

- آویختن تصاویر و مجسمه ها در کلیسا حرام است، زیرا این کار از پدیدهء بت پرستان است.
- رهبانیت وگوشه نشینی ممنوع است.
- در مورد غذای مقدس (شکرانه) که بخاطر یاد بود از آویخته شدن مسیح ﷵ برپا می دارند و ادعای مسیحیان بر اینکه خوردن نان و نوشیدن شراب به خون و گوشت مسیح ﷵ مبدل میگردد، آنها این ادعا را انکار و تقبیح نمودند.
- کلیساها رئیس مشخصی ندارد تا پیروی تام از وی صورت گیرد.

این فرقه در آلمان و برطانیه و امریکای شمالی وجود دارد [1].

علاوه بر این سه مذاهب وفرقهء بزرگ مسیحیت، فروعات دیگری نیز وجود دارد که به ذکر نامهای آن اکتفا می کنیم: فرقهء مارونی، فرقهء جزویت، فرقهء مورمون، فرقهء اپوس دی و فرقهء مونیه و غیره [2].

1- دراسات فی الأدیان ص: 374- 376 و الموسوعة المیسرة 2/ 583.

2- الموسوعة المیسرة 2/ 262.

دعوت به مسیحیت

مهمترین اهداف داعیان مسیحیت:

چنانکه واضح است رابطهء عقیدوی قویترین روابط میان انسانها به شمار می رود، از همین جاست که داعیان مسیحیت می کوشند تا مسلمانان را به خود جلب نمایند و دوستی و محبت خویش را در قلبهای شان جایگزین نمایند، این یک وسیلهء قوی و مؤثر برای تصرف و استعمار کشورها است که ضرورت به جنگ های خونین و پر مصرف ندارد، آنها درک نموده اند که از این راه میتوانند ثروت ودارائی مسلمانان را به غارت ببرند، وحدت و یکپارچگی مسلمانان را از راه مردمان منحرف و سیاستمداران بی دین برهم زنند، در تعلیم و نصاب مدارس آنها مستقیماً مداخله نمایند تا روح دین دوستی و محبت با اسلام را ریشه کن نمایند، اینجاست که زمینه برای دعوتگران مسیحیت مهیا میگردد و به فعالیت های شان هر چه بیشتر توسعه می بخشند.

ما بطور مختصر اهداف طویل مدت و کوتاه مدت دعوتگران مسیحیت را ذکر می نمائیم، خدا کند در راه جلوگیری از نشر و پخش این زهر خطرناک که میخواهند در پیکر سست و ضعیف امت اسلامی امروزی آنرا ترزیق نمایند، مؤثر واقع گردد، و برادران مسلمانان ما آگاه باشند که دشمنان شان می خواهند زهر را با عسل یکجا نموده به آنان تقدیم نمایند.

این اهداف قرار ذیل می باشد:

- ممانعت از گرویدن مسیحیان به اسلام خصوصاً در کشورهای که اغلب مردم آن مسیحیان اند.

- ممانعت از داخل شدن دیگر امتها به اسلام، و ایستادن در مقابل نشر و پخش دین اسلام، تا مسیحیت جای آنرا بگیرد و یا بر همان معتقدات میراثی باقی بمانند.
- بیرون کردن مسلمانان یا بعضی از آنها را از دین اسلام وکوشش در راه واژگون نمودن اسلام در قلب های آنان و قطع رابطهء آنان با پروردگار شان. این از اهداف طویل المدت آنهاست .
- پاشیدن تخم شک وتردید در امور بنیادی و اساسی اسلام تا مردم متدین را در شک و اضطراب قرار دهند.
- وانمود کردن بر اینکه دین مسیحیت بهتر از هر دین دیگر است.
- می خواهند به دنیا وانمود کنند که رمز ترقی و پیشرفت غرب در چنگ زدن آنها به مسیحیت است، و رمز عقب ماندگی مسلمانان در مسلمان بودن و دین داری آنهاست، این منطق داعیان مسیحیت می باشد، لیکن مردمان بی دین و ملحد غرب معتقدند که رمز پیشرفت وترقی غرب در بریدن و دوری آنها از مسیحیت است، و سبب عقب ماندن کشورهای اسلامی همانا دین اسلام وپیروی از آن می باشد. البته این عقیدهء شان در بارهء مسیحیت درست است و واقعاً مسیحیت بطور تحریف شده ای که داعیان آن در قرون وسطی به مردم غرب پیش کرده بودند سبب عقب ماندگی غرب در آن زمان بود که وقتیکه آن را ترک کردند همین بود که به ترقی و پیشرفت دست

یافتند زیرا دین آنها مخالف علم و حقایق علمی بود، و علمبرداران کلیسا در آن زمان، ساینس دانان بزرگ را بخاطر نظریات ساینسی شان که با تعلیمات کلیسا مخالف بود به بدترین وضع تعذیب و اذیت نموده به قتل رسانیدند، بر عکس مسیحیت، اسلام دین علم است و پیروانش را همیش برای آموختن علم تشویق و ترغیب نموده است و علماء و ساینس دانان در اسلام مقام بزرگی دارند وهرگز چنین نشده که حقایق ساینسی با تعلیمات اسلام و مصادر آن در تضاد باشد. لذا با جرأت میتوان گفت که یگانه سبب عقب ماندگی مسلمانان همانا دوری شان از دین اسلام و تعلیمات آن است.

- می خواهند مردم غرب و سفید پوست را بهتر از دیگر نژادها معرفی کنند تا زمینهء استعمار غرب بر دیگر امت ها را آسان سازند و از دارائی و املاک آنها استفاده نمایند.
- می خواهند مسلمانان را از آداب و تعالیم دینی شان به سوی عادات و تقالید غرب بکشانند تا در همه احوال زندگی از آنان تقلید نمایند و زندگی خویش را مطابق کلتور و فرهنگ غربیها عیار نمایند، و از آداب و معاشرتی که اسلام مردم را به آن امر نموده است دور شوند [1].

این بود اهداف داعیان مسیحیت در کشورهای جهان که

1- التنصیر: مفهمومه واهدافه ووسایله صـ: 45- 49 و التنصیر فی البلاد الإسلامیة صـ: 16- 18.

بطور مختصر آن را خدمت خوانندگان تقدیم نمودیم.

حالا متن بیانیهء یکی از معروفترین دعوتگران مسیحیت را خدمت تان عرض میداریم که در کنفرانس دعوتگران مسیحیت در شهر بیت المقدس در سال 1935 م ایراد نموده بود. این شخص "صموئیل زویمر" نام دارد، وی مهمترین اهداف نشر مسیحیت را در کشورهای اسلامی بیان می دارد:

« برادران عزیز! کسانی را که خداوند بخاطر جهاد در راه مسیحیت و استعمار نمودن کشورهای اسلامی برگزیده است با توفیق و عنایت خود کامیاب و موفق گردانید.

شما وظیفه ای را که بدوش تان سپاریده شده بود با تمام اخلاص انجام دادید، و موفقیت بزرگ را حاصل نمودید.

اگرچه یقین کامل دارم که شما وظیفهء تان را با تمام مهارت انجام داده اید لیکن بعضی از شما هدف بنیادی وظیفه اش را درست درک نکرده است.

من به شما اعتراف می کنم، آنعده مسلمانانیکه به دین مسیحیت گرویده اند مسلمانان راستین نبوده و از سه گروه خالی نیستند: یا اینکه خورد سال بوده اند که کسی از خانواده اش اسلام را به وی نه آموخته است، یا اینکه مردیست که دیانت ها را به باد مسخره گرفته است و تنها لقمهء نان را از این راه برابر می کند چون فقر و تنگدستی وی را به این کار واداشته است. و یا اینکه شخصی است که اهداف و اغراض شخصی خویش را از این راه بر آورده می نماید.

کشورهای مسیحی که شما را بخاطر دعوت به مسیحیت به کشورهای اسلامی گماشته اند، خواهان مسیحی ساختن مسلمانان نیستند زیرا در این کار عزت، کرامت و هدایت

آنهاست.
همانا وظیفهء شما بیرون آوردن مسلمانان از اسلام است تا رابطهء شان با خداوند قطع گردد، همچنان از اخلاق و فضایلی که ملتها بر آن اتکا دارند دور گردند، از اینجاست که شما پیشتازان فتوحات استعمار در کشورهای اسلامی هستید، یقیناً واجب تان را به صورت درست انجام داده اید، موفقیت تان را مبارکباد میگویم، چنانکه کشورهای مسیحی و عموم مسیحیان به شاهکاری هایتان مبارکباد میگویند.
برادران! بعد از گذشت ثلث قرن نزدهم تا امروز توانستیم بر همه برنامه های تعلیمی کشورهای مستقل اسلامی، وکشورهایی که تابع نفوذ مسیحیت اند، وکشورهائیکه دولت داران شان مسیحیان اند، قبضه نمائیم، در این کشورها کمین گاههای مسیحیت، کلیساها و انجمن های را تشکیل دادیم و در مکاتبی که زیر نظارت و سرپرستی کشورهای اروپائی و امریکائی قرار دارند، نیز برنامه های چشمگیری را عملی نمودیم، حتی شخصیت های بزرگ این دولت ها را به دام خود کشانیدیم.
تقدیر وسپاس قبل از همه به شما بر می گردد سپس به کمک و همکاری های توانگر و ثمربخش مختلفی که بزرگترین دست آوردهای بی مثیل تاریخی را ثبت نموده اند.
شما با وسایل و امکانات دست داشتهء تان توانسته اید همهء عقل و هوش را در کشورهای اسلامی به خود جلب نموده در خط سیر خویش که قبلاً آن را آماده کرده بودید، قرار داده و بر آنان بقبولانید. شما نسلی را تربیه و آماده نمودید که از خدا دور گشته اند و قادر نخواهند بود تا با خدا رابطهء خود را محکم نمایند، این نسل برای همیشه نمی

خواهند با خدا رابطه داشته باشند.

شما مسلمان را از اسلام بیرون آوردید ولی مشرف به مسیحیت ننمودید، به این ترتیب نسلی را آماده کردید که استعمار انتظار آن را داشت، نسلیکه در مقابل سختی مقاومت نداشته، بی پروا و راحت طلب و تنبل باشد، و اگر به مقام و مراتب بزرگ دست یابد بخاطر شهوت و عیش و عشرت خویش سخاوت و جوانمردی خواهد کرد. بدون شک مأموریت خویش را به صورت درست به پیش می برید، از اینجاست که نتایج و دست آوردهای بزرگی را حاصل نمودیدکه ملت مسیحیت عموماً به شما تبریک عرض میدارند، چنانکه استعمار از شما راضی و خوشنود بوده، پس به پیش به سوی ادای رسالت و مأموریت مقدس تان، همانا به فضل و جهاد مبارک تان به مقام والائی دست یافته اید و خداوند از شما راضی است»[1].

با این گونه اهداف زشت و پست و وسایل بدتر از آن مسیحیان در لباس دلسوزی و انسان دوستی با فقراء و مساکین و ناداران داخل کشورهای اسلامی می گردند ولی خداوند از دین وبندگان مؤمنش دفاع می کند، خداوند متعال می فرماید:

﴿ يُرِيدُونَ لِيُطْفِؤُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ [2].

ترجمه: « میخواهند نور (آئین) خدا را با دهانهایشان خاموش گردانند، ولی خدا نور خود را کامل میگرداند،

1- دراسات فی الأدیان ص: 381- 383.

2- سوره‌ء صف: 8.

هرچند که کافران دوست نداشته باشند» [1].

وسائل دعوت به مسیحیت

قبل از اینکه با وسایل مسیحیان در دعوت شان آشنا شویم باید بدانیم که آنها در این زمینه از دو راه پیش می روند یکی وسایل آشکار و صریح و دیگری وسایل مخفی و دور از انظار عامه، چنانکه از وسایل عصری که جهانیان جدیداً با آن آشنا شده اند استفاده مینمایند، و شاید وسایل عصری را بیشتر اهمیت دهند، دعوتگران مسیحیت همهء این راه ها و وسایل را تجربه نموده اند و نظر به شرائط مکان و زمان آن را تغییر میدهند.

وسایلی که صورت آشکار و علنی در راه گرائیدن مسلمانان به مسیحیت از آن استفاده میشود به دو دسته تقسیم می گردد:

- فراخواندن مسلمانان به مسیحیت از راه مناقشه و مناظرۀ علمی و یا مشکوک نمودن جانب مقابل در اعتقادش.
- جنگ های صلیبی و محاکم تفتیش و اختطاف کودکان و سرقت از راه بحرها، و از بین بردن مسلمانانیکه مانع دعوت آنها قرار می گیرند، اشغال و به استعمار کشاندن کشورهای اسلامی.

چنانکه مؤسسات و انجمن های مسیحی متعددیکه بطور علنی و با همکاری کشورهای غربی تأسیس گردیده است، در این راه دست درکار اند. مؤسسات و انجمن هائیکه بخاطر

1- تفسیر نور.

دعوت مسیحیت انشاء و تأسیس شده است بیشتر از سی مؤسسهء رسمی است که از سالهای 1765 میلادی تا حال در کشورهای مختلف جهان مشغول دعوت به مسیحیت اند، که گنجایش ذکر آن در اینجا نیست، و اگر کسی معلومات مفصل در بارهء این مؤسسات و تاریخ تأسیس آن میخواهد به مراجع و مصادر این رساله مراجعه نماید.

اما وسایل مخفی و زیر پرده ای که در راه دعوت به مسیحیت و یا تأمین مصالح مسیحیان از آن استفاده می نمایند قرار آتی است:

1- هیأت های دپلوماتیك که از جانب کشورهای غربی به کشورهای اسلامی اعزام می گردند، ومؤسسات و شرکت های ساختمانی و تعلیمی رسمیی که مشغول کار و فعالیت در سرزمین های اسلامی اند. دعوتگران مسیحیت از این فرصت استفاده میکنند وبه شکل غیر مستقیم مسلمانان را بسوی مسیحیت دعوت مینمایند و یا اقلاً محبت و دوستی غربیها را در دلهایشان جا میدهند.

2- مکتشف ها: مکتشفین جغرافیائی که از جانب دانشگاه های غربی به کشورهای اسلامی اعزام میگردند، دعوتگران مسیحی از این راه نیز استفاده می نمایند.

3- طبابت: هیأت های طبی که در ردیف مؤسسات کمک های انسانی و علاج مردمان بی نوا و تنگدست به کشورهای اسلامی فرستاده می شوند، آنها در قدم اول کلینک ها و شفاخانه ها را تأسیس می نمایند سپس به تدریج و بازرنگی دعوت به مسیحیت می نمایند.

4- آموزش حرفه یا پیشه: مؤسسات غربی که جوانان

مسلمان را حرفه یا صنعت می آموزند، مسیحیان زیر پوشش این نام دعوت خویش را به پیش می برند.

5- تعلیمات عالی: هیأت های تعلیمی اعزام شده بخاطر تأسیس دانشگاه یا فاکولته ها در کشورهای اسلامی، این مؤسسات علمی بخاطر شکار جوانان به دام مسیحیت و یا بخاطر تجسس به کشورهای اسلامی فرستاده می شوند. چنانکه جوانان ذکی و با استعداد را زیر تربیه و نظارت خویش قرار میدهند تا در آینده آنها را شخصیت های بارز معرفی نمایند و اکثراً زمام امور و یا پست های بلند به آنها سپرده می شود و در مقابلِ دین اسلام و مسلمانان از آنها استفاده صورت می گیرد.

6- مؤسساتی که بنام کمک و همکاری در کشورهای فقیر گسیل می شوند، این مؤسسات از راه کمک و همکاری با مردان و زنان و کودکان، لباس، مواد غذائی و خیمه و... را به مردمان تقدیم مینمایند و میگویند: این نعمت عیسی پسر مریم است که به شما ارزانی نموده است و یا بطور کنایه و یا غیر مستقیم که باعث برخورد یا افشای اسرار آنها نگردد، زهر خویش را می ریزند.

7- شکار زنها: دعوتگران مسیحیت درک کرده اند که زنها میتوانند تأثیر مستقیم بالائی خانواده و فرزندان و همزیستان شان داشته باشند، لذا قبل از همه می کوشند تا زن را از دایرهء اخلاق و محیط اسلامی بیرون آرند، سپس در برهنه نمودن آنها می کوشند. آنها کورسهای مختلف و به نام های مختلف در قریه جات و دهات و شهرها تشکیل میدهند.

کورسهای حرفوی که هرگز به زن تعلق ندارد تأسیس

می نمایند و در بعضی جاهائیکه هدف شان بجا خورده است کورسهای رقص و موسیقی و هنر را ایجاد نموده اند، اما در مورد حقوق زن و مساوی بودن آنها با مردان سخنانی است که همه روزه از طریق رسانه های جمعی پخش می گردد، می خواهند زن در امور سیاسی و فرهنگی نقش فعال داشته باشد، زیرا آنها به نتیجه رسیده اند که زن شکاری مناسب و خوبی برای تطبیق و پخش اهداف مسیحیت است.

8- کارگران ومتخصصین: کارگران و متخصصین مسیحی که در امور طبی، ساینس و تکنالوجی، ودیگر حرفه ها در کشورهای اسلامی کار میکنند آنها در راه دعوت به مسیحیت نیز نقش بارزی را بازی می کنند زیرا آنها میان توده ها و اقشار جامعه هستند و به تدریج مردمان ضعیف را به دام خویش می گیرند.

9- بورس های تعلیمی: محصلان و شاگردانیکه بخاطر تعلیمات عالی به کشورهای غربی فرستاده می شوند، شکار خوبی برای دعوتگران مسیحیت اند، آنها برنامه های متنوع را برای محصلان خارجی مخصوصاً مسلمان ها آماده می نمایند مانند دعوت و مهمانی به منازل مسیحیان و یا برنامه های فرهنگی یا اجتماعی در یکی از کلیساها یا میدان های ورزشی مربوط به کلیساها.

همچنان در خارج از ساحۀ دانشگاه ها دعوتگران می کوشند با آنها ارتباط بگیرند و به نام همکاری و یا دوستی این ارتباط را نگهمیدارند، تا آهسته آهسته بعضی افکار و معتقدات خویش را به آنها باز گو نمایند تا اینکه رفته رفته بحث و نقاش اینچنین مسایل شکل عادی را بخود بگیرد،

جوانانیکه معلومات کافی از دین و آئین خویش ندارند زودتر منحرف می گردند. چنانکه جوانان بی بضاعت و تنگدست بعد از اینکه مبلغی را از طریق کلیساها و یا انجمن های تعاونی بدست می آورند، در دام و زیر منت آنها گیر می مانند.

10- تبادلۀ کلتور و فرهنگ میان کشور های غربی و اسلامی:

تبادلۀ کلتور میان کشورهای اسلامی و غربی از مهمترین وسایل دعوت به مسیحیت به شمار می رود، درین تبادله ها بهره و نصیب کشورهای اسلامی غالباً، تقدیم و پیشکش نمودن تقالید، کلتور و عنعنات مردمی از جمله رقص، موسیقی و لباسهای مردانه وزنانه و خوردنی های وطنی، و صنایع دستی و غیره می باشد، و یا توزیع کردن بعضی از کتابها و رساله های که طبیعت کشور و حالت مردم را بیان می کند می باشد، ولی نصیب و بهرۀ کشورهای بیگانۀ غربی عبارت از تأسیس مراکز فرهنگی دائمی، و گرد آوردن شخصیت های ملی و فرهنگی این کشورها درین مراکز می باشد، و از لابلای این مراکز جوانان و افراد این کشور را به مسیحیت دعوت می دهند و یا اینکه آنها را به فرهنگ پوچ و بی معنای خود مفتون می سازند.

11- وسایل و رسانه های خبری:

وسایل و رسانه های خبری مانند رادیو، تلفزیون، سینما، تالارها و دیگر وسایل ارتباطی ونقل معلومات مانند انترنت همه در حملات مسیحیت بر کشورهای اسلامی سهم فعال

دارنـد، کـه از جملـه وسـایل مخفـی بـه شـمار مـی رونـد لـیکن وسایل معلوماتی وارتباط آشکار خیلی زیاد است که با زبان هـای مختلـف از طریـق شـبکه هـا و اقمـار مصـنوعی بـرای سـاعت هـا پخـش مـی گـردد، اینچنـین وسـایل در نشـر عقایـد مسیحیت و غیره نقش مهم و سریع الوصول را دارا است.

چنانکه افلام و نمایشنامه ها و سریال ها و برنامـه هـای فرهنگـی و تعلیمـی کـه در تلفزیـون و کانـال هـای کشـورهای اسـلامی پخـش مـی گـردد، همـه در نشـر فرهنـگ غـرب، و اجرای شعائر دینی و مذهبی آنها و اصطلاحات و حرکات و تقالید مردمان غرب نقش فعال دارنـد، حتـی در افلام کـارتونی که اکثراً ساخت کشورهای غربی است، کوشیده شده تـا تمـدن و کلتور غرب در مغزهای کودکان مسلمان ریشه دواند.

کورسـهای زبـان انگلیسـی و برنامـه هـای رادیـوئی کـه بخـاطر تعلـیم زبـان انگلیسـی آمـاده میشـود، بطـور واضـح فرهنگ غرب را بـه جوانـان مسلمان مـی آموزانـد و حکایـات وقصه های دوستی دختر و پسر یا پیـک شراب و... را در آن درج مـی کننـد تـا همچـو مسـایل در نظـر فـرد مسـلمان عـادی گـردد. هرگـاه مـردم را آمـادۀ پـذیرش کلتـور خـود نمودنـد بـه آسانی مسیحیت، کفر و الحاد را قبول خواهند کرد[1].

چگونه از پخش و نشر مسیحیت جلوگیری نمود؟

بر هر مسلمان لازم است تا در نشر و پخش دین اسلام بـه اندازۀ وسع خود سهم بگیرد، زیرا اسلام دینی است که بـه همـه

1- برگرفته از کتاب التنصیر مفهـوم و اهدافـه و وسـائله صـ 57-94، و دراسـات فـی الادیـان صـ 379 والتنصـیر فـی الـبلاد الاسلامیة صـ 17- 28.

بشـریت بـه واسـطۀ پیـامبر بـزرگ اسـلام حضـرت محمـد ﷺ فرسـتاده شـده اسـت، هـر چنـد قـرآن کـریم بـا دلایـل و بـراهین واضح و آشکار فرود آمده است ولی با آن هم بـه وسـایل، راه و روشی که مناسب و مطابق هر اجتماع باشد، ضرورت دارد.

چنانکه در رویاروئی و افشا نمودن حملات مسیحیت بر کشورهای اسلامی هر مسلمان ملزم به کار، فعالیت، دفاع از دین، و بر ملا ساختن برنامه های آنان می باشد.

ما بطور مختصر راه های مقابله با دعوتگران مسیحیت را خدمت خوانندگان گرامی تقدیم میداریم، خدا کند درین راه گامی مؤثری باشد.

1- مسلمانان باید بـه آئین اسـلام و آداب آن چنـگ بزننـد تـا الگـو و نمونـه ای از اخـلاق و آداب اسـلامی گردنـد، ودیگران را گرویدۀ آئین خود گردانند.

2- نصاب و برنامه های تعلیمـی در همـهء مراحل آن باید موافق و موازی با احکام شریعت اسلامی باشد تـا نسل آ گـاه به دین ببار آید.

3- همهء عوامل و اسباب اختلاف و تفرقه میـان مسلمانان برداشـته شـود و اینکـار تنهـا در وحـدت زیـر پـرچم اسـلام و تطبیق قانون قرآن صورت خواهد گرفت.

4- حکومت هـای کشورهای اسلامی باید بـه سوی عملـی نمودن احکام و قوانین اسلامی حرکت نمایند و قوانین وضـعی و خود ساختهء بیگانگان را از میان بردارند.

5- بایـد فعالیـت و کـار در زمـینۀ نشـر کتابهـا و تألیفـات اسلامی صـورت گیرد تـا اسـلام بـه شـکل درسـت و حقیقـی اش بـه مـردم معرفـی گـردد، زیـرا اسـلام دینـی اسـت کـه عقـل را

مخاطب قرار میدهد، و اگر مسأله ای و مشکلی پیش آید باید در پرتو آیات قرآنی و سنت مطهر پیامبر ﷺ حل گردد و راهی برای مسیحیت باقی نماند تا در حل معضله های ما مداخله نمایند.

6- باید دعوتگران ماهر و برجسته به کشورهای بیگانه فرستاده شوند تا آئین اسلام را بطور درست به آنها پیش نمایند.

7- انجمن ها، مؤسسات، مراکز و اتحادیه های مختلف تأسیس گردد تا روش های دعوتگران مسیحیت و مستشرقین (خاورشناسان)، توطئه و دسیسه ها و پلان های آنها را خنثی نمایند.

8- دولت های اسلامی در مورد شفاخانه ها، کلینک ها، کورسها و مراکز کلتوری و ورزشی بیگانگان تجدید نظر نمایند، زیرا اینها از وسایل مهم دعوتگران مسیحیت بشمار می رود.

9- نشر و پخش اخبار وحکایات اشخاصیکه به اسلام مشرف میگردند، چه مسیحی یا کس دیگری، بویژه آنعده دعوتگران شان که به اسلام میگرایند[1].

مقام مسیح عليه السلام و سایر انبیاء ـ علیهم السلام ـ در اسلام

مسیح عليه السلام پسر مریم بدون پدر به دنیا آمده، این یک حادثهء عجیب و شگفت انگیزی است! مگر شگفت انگیز تر

1- التنصیر فی البلاد الاسلامیة صـ98- 106، و سایت العالم الاسلامی (وسایل اخوان مسلمین برضد مسیحیت) والتنصیر و مفهومه.. صـ: 135- 140.

از آفریدن آدم ؈ نیست، هنگامیکه خداوند وی را بدون پدر و مادر آفرید.خداوند می فرماید:﴿ إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِندَ اللّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِن تُرَابٍ ثِمَّ قَالَ لَهُ كُن فَيَكُونُ﴾[1].

ترجمه: « مسألهء (آفرینش) عیسی برای خدا، همچو مسألهء (آفرینش) آدم است که او را از خاک بیآفرید، سپس به او گفت: پدید آی! و (بی درنک) پدید آمد»[2].

قرآن کریم یگانه منبع و مصدری است که قصۀ ولادت عیسی ؈ را با اسلوب زیبا و معجز بیان داشته است . خداوند در سورۀ مریم چنین می فرماید:

﴿ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا۞ فَاتَّخَذَتْ مِن دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا۞ قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَن مِنكَ إِن كُنتَ تَقِيًّا۞ قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا۞ قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا۞ قَالَ كَذَلِكِ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِّنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا۞ فَحَمَلَتْهُ فَانتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا۞ فَأَجَاءهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنتُ نَسْيًا مَّنسِيًّا۞ فَنَادَاهَا مِن تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا۞ وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطْ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا۞ فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنسِيًّا۞ فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا۞ يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ

1- آل عمران: 59.

2- تفسیر نور.

أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا۞ فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَن كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا۞ قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا۞ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا۞ وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا۞ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدتُّ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا۞ ذَٰلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ۞ مَا كَانَ لِلَّهِ أَن يَتَّخِذَ مِن وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ﴾ (1).

« ای پیامبر! در کتاب از مریم سخن بگو: آن هنگام که در ناحیهء شرقی (بیت المقدس برای فراغت عبادت) از خانواده اش کناره گرفت. و پرده ای میان خود و ایشان افگند، ما جبریل (فرشتهء) خود را به سوی او فرستادیم و جبریل در شکل انسان خوش قیافه ای بر مریم ظاهر شد. (مریم لرزان و هراسان) گفت: من از تو، به خدای مهربان پناه میبرم. اگر پرهیزگار هستی (بترس که من به او پناه بردم و او یار بی کسان است) (جبریل) گفت: (مترس) پروردگارت مرا فرستاده است تا به تو پسر پاکیزه ای ببخشم. (مریم) گفت: چگونه پسری خواهم داشت، در حالی که انسانی (از راه حلال) با من نزدیکی نکرده است، و زنا کار هم نبوده ام؟ (جبریل) گفت: همانگونه است (که بیان داشتی اما) پروردگارت گفته است این (کار، دادن فرزند بدون پدر) برای من آسان است، بخاطر آن است که (میخواهیم) او را معجزه ای برای مردمان کنیم، و رحمتی از سوی خود سازیم. دیگر کار انجام یافته است. (ارادهء خداوند تحقق یافت و مریم) باردار شد و با جنین خود

1- سورهء مریم: 16- 36.

(عیسی) در مکان دوردستی گوشه گرفت. درد زائیدن او را به کنار تنهء خرما کشاند، گفت: کاش! پیش از این مرده بودم و چیز فراموش شده ای بودم. (جبریل) از پائین او، وی را صدا زد، غمگین مباش. پروردگارت پائین (تر از تو) چشمه ای پدید آورده است (و روانش کرده است). تنهء خرما را بجنبان و بتکان، تا خرمای نورس دست چینی بر تو فروبارد. پس بخور و بیاشام و چشم را روشن دار، و هرگاه کسی را دیدی بگو: که من برای خدای مهربان روزه (سکوت و خودداری از گفتار) نذر کرده ام، و به همین دلیل امروز با انسانی سخن نمیگویم. مریم او را در آغوش گرفت و پیش اقوام و خویشاوندان خود برد. آنان گفتند: ای مریم! عجب کار زشتی کرده ای! ای خواهر هارون! نه پدر تو مردی بدی بود، و نه مادرت زن بدکاره ای! (مریم) اشاره به او (نوزادش) کرد. گفتند: ما چگونه با کودکی که در گهواره است سخن بگوئیم؟ (هنگامیکه عیسی سخن ایشان را شنید) گفت: من بندهء خدایم، برای من کتاب (آسمانی انجیل) را خواهد فرستاد و مرا پیغمبر خواهد کرد. و مرا ـــ در هر کجا که باشم ـــ شخص پر برکت و سودمندی مینماید. و مرا به نماز خواندن و زکات دادن ـــ تا وقتیکه زنده باشم ـ سفارش میفرماید. و به نیکی و نیکرفتاری در حق مادرم و مرا زور گو و بد رفتار نمیسازد. و سلام (خدا) بر من است (در سراسر زندگی) آن روز که متولد شده ام، و آن روز که میمیرم، و آن روز که زنده و بر انگیخته میشوم! این است عیسی پسر مریم، این سخن راستین در بارهء او است، سخن راستینی که در آن شک و تردید می کنند. سزاوار خداوند نیست که فرزندی داشته باشد. او منزه است، هرگاه ارادهء پدید آوردن چیزی و انجام کاری کند، تنها کافی است راجع بدان

بگوید: بشو! و میشود» [1].

عقیدهء مسلمانان در مورد پیامبران

ایمان به پیامبران رکنی از ارکان ایمان بشمار میرود، اگر مسلمانی ایمان به همهء پیامبران ـ علیهم السلام ـ مانند ایمانش به محمد ﷺ نداشته باشد مسلمان محسوب نمیشود و اگر به یکی از پیامبران کافر شود و یا سخن بد یا زشتی را به آنها نسبت دهد از دایرهء اسلام خارج گردیده مرتد است، کسی که به یک پیامبر کافر گردد چنانکه به همهء آنها کافر گردیده باشد، مسلمان ایمان به همهء رسالات آسمانی دارد، خداوند می فرماید:

﴿ آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِن رَّبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللّهِ وَمَلآئِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لاَ نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ وَقَالُواْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ [2].

ترجمه: « ایمان آورد پیغمبر بچیزی که نازل شده بوی از طرف پروردگارش و مؤمنان نیز (ایمان آوردند)، همگی به خدا و فرشتگان او و کتابهای وی و پیامبرانش ایمان داشته (و میگویند) میان هیچیک از پیغمبران او فرق نمی گذاریم».

علامه یوسف قرضاوی میگوید: « اگر یهود زیر پرچم موسی ؑ نزد ما بیایند ما مسلمانان زیر پرچم موسی و عیسی و محمد ـ علیهم السلام ـ در مقابل آنها می ایستیم، الحمد لله ما مسلمانان در برابر هیچ کتاب آسمانی و یا پیامبری کینه و دشمنی نداریم ما چنانکه پیامبر مان محمد ﷺ

1- تفسیر نور.

2- سورهء بقره: 285.

فرموده است: (ما نزدیک ترین مردمان به عیسی پسر مریم هستیم)، محبت و دوستی عیسی ﷺ و مادر با عفتش در اعماق قلبهای ما جا دارد، این محبت ما مسلمانان، در برابر همهء پیامبران است، پس آیا پیروان آنها همچو محبت و دوستی و احترام در مقابل پیامبر مان محمد ﷺ دارند؟»[1]

اعترافات:

برناردشو می گوید: « پیروان محمد در مورد مسیح ﷺ از ادب فراوانی برخوردار هستند»[2].

دیگری بنام م. کویت چنین می گوید: « غربیها در فضای عداوت و دشمنی در مقابل اسلام بزرگ شده اند، بر عکس، مسلمانان محبت و دوستی فراوانی در برابر مسیح ﷺ و کتابش انجیل دارند».

ارسکین چایلدرز بریطانی می گوید: « روابط مسلمانان با دیگران از روزگار اول اسلام با هم مساوی و برابر نبود، زیرا اسلام به همه دیانت های آسمانی اعتراف دارد و ایمان داشتن به پیامبران پیشین را جزو اساسی اعتقاد خود میدانند، اما اهل دیانت های دیگر، اسلام را به رسمیت نشناختند و معترف نشدند و روزی هم با آنها از راه دوستی و مسالمت

1- التصور الإسلامی للمسیح د. عبد المعطی الدالاتی و سایت اسلام.

2- مرجع سابق.

پیش نرفتند».

دیگری بنام رینیه دیکارت در یکی از مقاله هایش می گوید: « مسلمانان به رسالت عیسوی و محمدی عمل می کنند، ولی ما به رسالت دومی (اسلام) عمل ننمودیم، اگر انصافانه قضاوت می کردیم، حتماً در پهلوی آنها یکجا با هم قرار می گرفتیم، زیرا رسالت مسلمانان سازگار و هم آهنگ با هر زمانی و مکانی است».

استاد محمد غریب مسلمان می گوید: « اگر مسیحیان اسلام را می فهمیدند و مشرف به آن می شدند مسیح عليه السلام را بیشتر از قبل مورد احترام و عزت قرار میدادند» [1].

سخن اخیر

در اخیر به سه نکتهء مهم اشاره می نمائیم:

اول: جنگ و مبارزه میان مسلمانان و کافران تا فرود آمدن عیسی عليه السلام از آسمان ادامه خواهد یافت، عیسی عليه السلام بعد از فرود آمدنش دجال و خنزیر را نابود خواهد کرد، سپس صلیب را می شکند و مطابق احکام و قوانین شریعت محمد صلى الله عليه وسلم حکم خواهد کرد [2].

پیشرفت و بالادستی کافران در سلاح های جنگی، ساینس و تکنالوژی و اقتصاد و فرهنگ بر مسلمانان، بسندهء خاموش شدن شعله های دشمنی و عداوت آنها در مقابل مسلمانان نخواهد بود، تا اینکه آنها را از دین شان بیرون

1- التصور الإسلامی للمسیح رسایت الإسلام، و برگرفته از کتاب « ربحت محمداً ولم أخسر المسيح».

2- به صحیح بخاری و مسلم باب نزول عیسی عليه السلام مراجعه شود.

آرنـد، خداونـد مـی فرمایـد: ﴿ وَلَـن تَرْضَـى عَنـكَ الْيَهُـودُ وَلاَ النَّصَـارَى حَتَّـى تَتَّبِـعَ مِلَّـتَهُمْ... ﴾ [1]. ترجمـه: « یهودیـان و مسیحیان هرگز از تو خوشنود نخواهد شد، مگر اینکه از آئین ایشان پیروی کنی».

دوم: بـر همـهء مسلمانان لازم است تـا در دفـاع از دیـن شـان و مقاومت در مقابل تجاوز گـران و کـافران بـا امکانـات دست داشتهء شـان سـهم گیرنـد. خداونـد مـی فرمایـد: ﴿وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ ... ﴾ [2].

ترجمـه: «بـرای (مبـارزه بـا) آنـان تـا آنجـا کـه میتوانید نیروی (مادی و معنوی) آماده سازید».

سـوم: موفقیـت و پیـروزی از آنِ مسـلمانان خواهـد شـد، ولـی مشروط بـر اینکـه بـه خداونـد رجـوع کننـد و از اوامـر و نواهی خداوند متعال پیروی تمام نمایند شاید مبارزه میان اهل حق و باطل طول بکشد ولـی در نـهایت پیـروزی از اهل حق است هر چند کافران افکـار پـوچ و بـی اسـاس شـان را ا ز راه کانـال هـای فضـائی، انترنـت، گسیل دعـوتگران و از راه هـای مختلـف، پخـش نماینـد و در ایـن راه هزینـه هـای هنگفتـی را بمصـرف برسـانند، لیکن جـایی را نخواهـد گرفت [3]، خداونـد ﷻ مـی فرمایـد:

﴿إِنَّ الَّـذِينَ كَفَـرُواْ يُنفِقُـونَ أَمْـوَالَهُمْ لِيَصُـدُّواْ عَـن سَـبِيلِ اللّهِ فَسَيُنفِقُونَـهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَـرُواْ إِلَـى

1- البقرة: 120.

2- البقرة: 120.

3- مجلهء البیان سال 15ــ عـدد 154 جمـادی الآخر 1421هــ صـ: ابراهیم العقیل.

جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ﴾ [1].

ترجمه: « کافران اموال خود را خرچ می کنند تا (مردمان را) از راه خدا باز دارند. آنان اموالشان را خرچ خواهند کرد، اما بعداً مایهء حسرت و ندامت ایشان خواهد گشت و شکست هم خواهند خورد. بیگمان کافران همگی به سوی دوزخ رانده میگردند و در آن گرد آورده میشوند)[2]. مسیحیان از عقیدهء گنگ و بی مفهومی که دارند خسته شده اند تا جائیکه در این اواخر در بعضی از شهرهای انگلستان کلیساها به فروش رسید که خوشبختانه خریداران کلیساها مسلمانان بودند و در بدل آن مساجد بزرگی را بنا نمودند.

وصلی الله علی نبینا وعلی آله وصحبه أجمعین.

فهرست مراجع و مصادر

1- تفسیر نور از دکتور مصطفی خرم دل، چاپ ایران، تهران، نشر احسان 1379هـ- ش.

2- التنصیر فی البلاد الإسلامیة، تألیف دکتور محمد ناصر الشثری، دار الحبیب، الریاض.

3- خصائص التصور الإسلامی، سید قطب، دار الشروق، بیروت 1415هـ.

1- الأنفال: 36.

2- تفسیر نور.

4- التنصير مفهومه واهدافه ووسائله وسبل مواجهته، على ابراهيم الحمد النملة، مكتبة التوبة، الرياض 1419هـ.
5- دراسات فى الأديان اليهودية و النصرانية، دكتور سعود عبد العزيز الخلف، أضواء السلف، الرياض 1422هـ.
6- الموسوعة الميسرة فى الأديان والمذاهب المعاصرة، چاپ الندوة العالمية للشباب الإسلامى، الرياض- 1409هـ.
7- الموسوعة الميسرة فى الأديان والمذاهب والأحزاب المعاصرة، الدكتور مانع حماد الجهنى، چاپ دار الندوة للطباعة والنشر والتوزيع، 1420هـ.
8- كنت نصرانياً وأسلمت، إعداد محيى الدين عبد الحميد، المطابع المجموعة الإعلامية 1414هـ.
9- پيامبران از ديدگاه قرآن تأليف استاد ابو الحسن الندوى ترجمهء محمد بهاؤ الدين حسينى، انتشارات تازه نگار 1378هـ.
10- لماذا اعتنقت الإسلام، استاد فوزى الحلبى، دار المسلم للنشر والتوزيع، الرياض 1422هـ.
11- مجلهء البيان، السنة 15ـ العدد 154ـ جمادى الآخرة 1421هـ.
12- سايت الإسلام.